

آرمانشهر از نظر کریستوفر الکساندر

نوشته شده توسط ندا قاضی زاده

چهارشنبه ، 4 اردیبهشت 1387 ، 04:33

سیده ندا قاضی زاده - پژوهشگر دکتری معماری دانشگاه تهران

الکساندر در دوران جوانی یک نوگرای تکنوکرات محافظه کار بود و هنگامی که حس بی هویتی به او هجوم آورد، راهی سانفرانسیسکو شد. در آنجا گروهی طراحان را گرد خود آورد، با فلسفه تانوکرایبی آشنا شد و کنابهایی را در زمینه معر ساخت و ساز مستقل از زمان به چاپ رسانید. جنکز او را فرانوگرایی که به صورت موردی شهرساز هم هست، معرفی می کند. الکساندر در سال 1984 عنوان فرانوگرا را برای خود رد می کند. زبان الگو همان مقدار که متکی به خرد است، متکی به ایمان هم هست. یعنی متعلق است به فراتر از فرانوگرایی یا حتی پیش از نوگرایی. (ترنر 1376) الکساندر اولین فصل کتابش را با اعتقاد نامه سنتی آغاز می کند و به پایان می برد

راهی مستقل از زمان وجود دارد.

این راه، با قدمتی هزار ساله، امروز نیز همچون گذشته، همیشه باقی است. بناهای سنتی گذشته، روستاها و چادرها و عبادتگاهها که در آنها انسان احساس وابستگی و راحتی می کند، همیشه توسط مردمی ساخته شده که به مرکز این راه بسیار نزدیکند.

..

برای رهایی خود از خیالات و تمام تصاویر مصنوعی که از نظم در ذهن داریم و در طبیعت درونی ما اعوجاج ایجاد می کنند، لازم است ابتدا رشته ای را برگزینیم که رابطه واقعی بین خود و محیط اطرافمان را به ما بیاموزد. سپس، هنگامی که این رشته تاثیرش را بگذارد و حبابهای خیالات ما را که اکنون به آن چسبیده ایم، بترکاند. ما آماده رها کردن رشته و عمل کردن همانند عمل طبیعت خواهیم بود.

این راه، راه ساخت و ساز مستقل از زمان است : نظامی را آموختن و سپس آنرا رها کردن. (الکساندر 1381)

تصاویر مصنوعی از نظم مورد انتقاد الکساندر کاملا عقلانی، نورگرا و آرمانگرا بوده اند. شهرسازی فرانوگرا، ضد شهرسازی بوده است.

کریستوفر الکساندر، ریاضی دان اطریشی - انگلیسی - آمریکایی که به عنوان یکی از پرچم داران تئوری طراحی در جهان شناخته شده است دو راه کاملا متفاوت برای مواجهه با پیچیدگی های طراحی پیشنهاد کرد. الکساندر از انگلستان به آمریکا رفت تا در دانشگاه هاروارد در رشته معماری تحصیل کند. او در کسوت صاحب نظری کلاسیک در شرق ایالات متحده ظهور کرد، زیرا خردگرایی و ریاضیات را در طراحی به کار برد. یادداشت های او در مورد "ترکیب سازی شکل" (Synthesis of Form) روش طراحی نوگرا، کامپیوتری و کاملا عقل گرا را در نظر داشت. اما این کار نشد. پس از انتقال به غرب ایالات متحده، الکساندر خلاقیت گروهی و خرد عرفی را در طراحی اعمال کرد. نتیجه کار او "زبان الگو" (The Pattern Language) بوده که به عنوان هسته مرکزی، سرمشق دیگر زبان های الگو بود که می توانند به مردم حس زنده بودن و انسان بودن بدهند. (ترنر 1376)

راه حل شرق

ارائه راه حل الکساندر در مورد پیچیدگی‌های طراحی، از دهه 1960 آغاز شد. زمانی که کامپیوترهای الکترونیک برای عموم قابل دسترس بود. به نظر او رسید که ماشین‌های بی روح با برنامه ریزی خوب می‌توانند جای استادکارهای جایز الخطا را، که میل به استبداد هم دارند، بگیرند. شاید کامپیوترها می‌توانستند ابراستاد شوند. الکساندر در یادداشت‌هایش معتقد است که شکل‌های بزرگ در مشکلات کوچک ترکیب کرد، بطوری که بتوان آنها را یکی پس از دیگری برگزید. اولین مثال او یک جاروبرقی بود. مشکل طراحی به مجموعه‌ای از عوامل دودویی تقسیم شد. گسترده‌ترین مثال او در مورد عواملی که شکل را تعیین می‌کنند، درباره روستای سرخ پوستان بود. این عوامل 141 جز را در دسته‌های مذهبی، نیروی اجتماعی، کشاورزی، آب و ... تشکیل می‌دادند. لیست مذکور هم مشکلات طراحی را دربر دارد و هم اهداف طراحی را. تسلسل کلی به صورت نمودار درختی تشریح شده است.

دو سال بعد، الکساندر تحول افکار داشت و مقاله‌ای تحت عنوان "شهر درخت نیست." منتشر ساخت. منظور او از درخت سلسله مراتب است. الکساندر تاکید کرد که شهرها سلسله مراتبی نیستند و اگر شهرسازان تصور کنند که شهرها چنین‌اند. طبق برنامه‌ریزی‌هایشان، شهرهایی وحشتناک ایجاد می‌کنند که در آنها سلسله مراتب خیابان‌ها، مناطق تجاری و فضاهای با بی‌فایده طراحی می‌شوند. مثال ایستگاه اتوبوس در "شهر درخت نیست" آورده شد تا نشان دهد یک ایستگاه فقط یک محل توقف در طول مسیر نیست بلکه در جایگاه خرید رفتن، قدم زدن، منتظر شدن، صحبت کردن و ... نیز قرار می‌گیرند. این مشاهدات باعث شد الکساندر علیه شهرهای مصنوعی و به نفع شهرهای ارگانیک استدلال ارائه کند. او اعلام داشت که شهرها ساختار شبیه مشبک دارند و نه ساختار درخت‌گونه. نه تنها شهر درخت نیست بلکه حتی شی هم نیست. شهر مجموعه‌ای از چشم‌اندازهاست. بخشی از هر ویژگی شهر و قسمتی از دیگر ویژگی‌ها روی هم می‌افتند. تفکر در مورد ساختار شهر باعث شد الکساندر روشی دیگر برای حل مساله پیچیدگی طرح‌ها توصیه کند. (ترنر 1376)

راه حل غرب

الکساندر پاسخ دوم را درباره مشکل پیچیدگی طرح در کالیفرنیا در سال 1977 مطرح ساخت. این نظریه در سه کتاب شرح داده شده است. یکی از این کتاب‌ها به نام "زبان الگو" در واقع شش نویسنده دارد و نتیجه هشت سال تحقیق است.

بحث اصلی در "زبان الگو" آن است که در مواجهه با پیچیدگی، بشر توانسته است طرح‌هایی بصورت نمونه و سرمشق ارائه کند تا بتواند مسایلی را که به طور پدید می‌آیند، حل کند. این راه حل‌ها "الگو" نامیده شده‌اند. در جوامع بدوی، پرندگان و انسان‌ها راهی را برای استفاده از گل و گیاه در خانه‌سازی بکار می‌برند و این کار را نسل به نسل بطور ثابت حفظ می‌کردند. در جوامع نو، الگوهای بیشتری در دسترس است. اما، "زبان الگو" استدلال می‌کند که هنوز راه‌های بیشتری را برای انجام کارها وجود دارد که در طول دوران‌های بی‌پایان نیازهای پیچیده بشر را ارضا نموده است. یک مثال قدیمی، انتخاب مکانی برای استقرار نیمکت در فضای باز است. (ترنر 1376) الکساندر عتقد است استفاده از الگوهای عهد عتیق منجر به شکل‌گیری "کیفیتی بدون نام" می‌شود.

اولین مکانی که هنگام توصیف این نوع کیفیت به ذهن خطور می‌کند، گوشه‌ای از یک باغ است که در آن یک درخت هلو پشت به دیوار در حال رشد است. خورشید بر درخت می‌تابد و همینطور با تابش بر دیوار پشت درخت و گرم کردن آجرهای دیوار، آجرها خود نیز

هلوهای درخت را گرم می‌کنند. این کیفیتی آرامش بخش را به همراه دارد که نمی‌توان نامی بر آن نهاد.

برای توصیف آن کیفیت، الکساندر صفت‌های زیر را مطرح می‌سازد: زنده، تمام و کمال، در آسایش، آزاد، دقیق، فارغ از نفس و جاودان.

الکساندر در مقاله تئوری جدید طراحی شهری به دنبال روشی است که از طریق آن به شهر اجازه دهد به تدریج به کل تبدیل شود. رشد شهر در جزئیات از فرایندهای بسیاری تشکیل شده است. فرایندی که در سطوح بسیار و به شیوه‌های متفاوت عمل می‌کند. اما هنوز اساساً یک فرایند واحد و منحصر به فرد باقی می‌ماند، آن هم به برکت این حقیقت که یک هدف منحصر به فرد و واحد دارد. این هدف واحد به طور ساده، ایجاد کلیت در محیط زیست است.

باید نوعی سیستم عملی قواعد یا روندها وجود داشته باشد که به مردم اجازه دهد دست کم به تقریب به قانون یگانه نزدیک شوند تا بتوانند کار عملی ساخت و ساز را به پیش برند. هر عمل ساختمانی و هر میزان رشد شهر در سمت آفرینش کلیت قرار می‌گیرد. قانون یگانه نیازمند فرایند شهری زیر است: هر میزان کار ساخت و ساز در شهر رشد باید چنان طراحی شود که کلیت را در تمامی سطوح حفظ کند، از بزرگترین سطح فضای عمومی و کل‌های واسطی در مقیاس ساختمان‌های جداگانه گرفته تا کوچک‌ترین کل‌هایی که در جزئیات بنا پدید می‌آیند. (الکساندر 1373)

اما هر چه آنها قواعد واسطه را درک کنند، ضرورت این قواعد کمتر می‌شود و استفاده‌کنندگان بیشتر به درک و فهم واقعی از قانون یگانه نزدیک می‌شوند. هفت قانون واسط عبارتند از:

۱. رشد تدریجی و ذره ذره کردن

- تغییرات ساختمانی نباید بسیار زیاد باشد.

- اختلاط معقولی از اندازه‌ها

- توزیع معقولی از عملکردها

۲. رشد کل‌های بزرگتر

۳. ژرف نگری و دید

- افزایش‌ها از یک ژرف نگری نسبت به آنچه برای اصلاح و بهبود ساختار موجود لازم است برخیزد و نه از مفهومی که به طور ذهنی شکل گرفته است.

- برای دیدن کل، ضروری است که وارد ارتباط ابتدایی‌ترو اساسی‌تری با مساله شویم و اسلوب تفکری که بیش از همه ظرفیت آفرینش و تعیین روابط با کل را داراست دقیقاً همانی است که اسلوب مبتنی بر دید نامیده می‌شود.

۴. قاعده اصلی فضای شهری مثبت

- برای تبدیل طراحی به کل ضروری است که فضایی که به وسیله ساختمان‌ها به وجود می‌آید

خصیلت مثبتی داشته باشد.

- هر ساختمان باید فضای عمومی منسجم و شکل گرفته ای در کنار خود ایجاد کند.

- هر رشد جزئی ساخت و ساز باید به شیوه ای شکل گیرد و استقرار باید که فضای پیاده شکل گرفته ای را به وجود آورد.

- خود حجم ساخت و ساز هم ساده و خوش ترکیب است.

۵. آرایش ساختمانهای بزرگ

۶. ساختمان

- کلیت یک شهر نمی تواند از کلیت شیوه ساختمانی که برای احداث بناها پیش به کار می رود، جدا باشد.

تدوین قواعد سازمان کلی و سه بعدی سازه بنا که تضمین کننده هماهنگی ساخت کالبدی با حجمها و فضاهای بنا باشد.

- قواعد مربوط به جزئیات که تضمین کننده هماهنگی جلوه بیرونی ساختمان با فضای عمومی خارجی هستند.

۷. شکل گیری مراکز

- هر کلی باید به خودی خود مرکزی را تشکیل دهد و سیستمی را از مراکز را در پیرامون خود به وجود آورد.

- یک مرکز یک هستی و یک چیز است. می تواند یک ساختمان، یک فضای بیرونی، یک باغ، یک دیواره، یک جاده، یک پنجره یا همزمان مجموعه ای از چند عنصر پیشگفته باشد.

- به طور عام یک مرکز از نوعی تقارن ابتدایی به ویژه تقارن دو طرفه مشابه با تقارن بدن برخوردار است.

- یک مرکز یک کل است که از کل های فرعی تر تشکیل شده است. (الکساندر 1373)

ماهیت نظم

- کلیت یا انسجام، وضعیت عینی ترکیب بندی های فضایی است که به درجات بیشتر یا کمتری در هر بخش از فضا رخ می دهد و قابل اندازه گیری است.

- ساختاری که ایجاد کننده کلیت است همواره در اوضاع و احوال مشخص وضعیت مشخصی دارد و بنابراین هرگز دوباره یک شکل واحد به خود نمی‌گیرد.

- شرایط و اوضاع و احوال کلیت را همواره یک فرایند مشخص به وجود می‌آورد. این فرایند به تدریج شکل می‌گیرد و به تدریج ساختاری را که میدان مراکز در فضا خوانده می‌شود به وجود می‌آورد.

- میدان مراکز از طریق خلق گام به گام مراکز و تحت شرایط بسیار ویژه به وجود می‌آیند. (Alexander 2005)

راه بی زمان ساختن
هر بنا یا شهری تنها به میزانی زنده است که به راه بی زمان ملتزم باشد.
برای یافتن راه بی زمان نخست باید کیفیت بی نام را بشناسیم.
پی برای نیل به کیفیت بی نام باید زبان الگوی زنده ای پدید آوریم که چون دروازه عمل کند.
وقتی دروازه را ساختیم می‌توانیم از آن بگذریم و در آن قدم برداریم.
اما این راه کامل نمی‌شود مگر آنکه دروازه را پشت سر بگذاریم. (الکساندر 1381)

منابع

Alexander, C. (2005). A Living World A Vision of. Structure Berkeley, The Center for Environmental

الکساندر، ک. (1373). تئوری جدید طراحی شهری. تهران، نشر توسعه.

الکساندر، ک. (1381). معماری و راز جاودانگی. تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

ترنر، ت. (1376). شهر همچون چشم انداز. تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

جهت مطالعه و دانلود دیگر کتب و مقالات شهرسازی و معماری به

Sharkadeh.ir

مراجعه کنید.